آتلیه هنر

و قاف حرف آخر عشق است...

هنرمند: هادی روشن ضمیر
اثر: مجسمه
تکنیک: فلز
متریال: برنز

یکه صعود؛ شهری بدون کتابخانه

نجاهی

در محروم ترین شهرستان استان که برخی ساکنان روستاهایش سال هاست ابتدایی ترین امکانات را مطالبه می کنند، فرهنگ پربار و باورهای مردم از اقوام مختلف، ریشه دوانده و راز و جرگلان را به رنگین کمان اقوام تبدیل کرده است.

نبود بستر مناسب برای اعتلای فرهنگ کتاب‌خوانی و افزایش سرانه مطالعه و تامین کتب مورد نیاز مردم از دغدغه های اهالی شهرستان راز و جرگلان است.

رشد و تعالی جوامع در گرو ارتقای فرهنگ و وجود کتابخانه از مقولاتی است که می تواند در این عرصه اثرگذار باشد.

راز و جرگلانی که متشکل از ۸۷ روستاست، ۴ کتابخانه عمومی دارد و سال هاست وعده هایی در خصوص احداث کتابخانه در روستاهای پرجمعیت منطقه داده می شود به گونه ای که رئیس نهاد کتابخانه های شهرستان سال گذشته از تصویب ۱۵۰ میلیون تومان اعتبار و ایجاد کتابخانه در شهر «یکه صعود» و روستای «یک پولاد» خبر داده بود ولی عملیاتی نشد.

یکی از جوانان جرگلانی می گوید: در بخش ۴۶ روستایی جرگلان فقط یک کتابخانه آن هم در یک روستای مرزی احداث شده است و کتاب های مورد نیاز بسیاری از افراد را ندارد.

«محمدی» با بیان این که کتابخانه در افزایش سرانه مطالعه اشخاص و تامین کتاب های مورد نیاز دانش آموزان نقش به سزایی دارد، ادامه می دهد: متاسفانه در نبود کتابخانه مجهز در روستاهای بزرگ و پر جمعیت و حتی شهر یکه صعود، دانش آموزان به ویژه پشت کنکوری ها مکانی برای مطالعه ندارند.

> متاسفانه در نبود کتابخانه مجهز در روستاهای بزرگ و پر جمعیت و حتی شهر یکه صعود، دانش آموزان به ویژه پشت کنکوری ها مکانی برای مطالعه ندارند

آن طور که یکی دیگر از ساکنان به آن اشاره می کند بسیاری از دانش آموزان منطقه کتاب های کمک درسی مورد نیازشان را از بجنورد تهیه می کنند که امری هزینه بر است.

به گفته «داوری»، احداث یک کتابخانه در مرکز بخش جرگلان(شهر یکه صعود) ضروری است زیرا وجود یک مکان فرهنگی از قبیل کتابخانه، باعث جذب اهالی به اماکن فرهنگی و ارتقای دانش عمومی می شود.

دیگر ساکن جرگلان خواستار تجهیز کتابخانه روستای کلاته ابریشم می شود و می گوید: کتاب های موجود در کتابخانه کلاته ابریشم از تنوع کمی برخوردارند، در حالی که می توان با تجهیز و افزایش تعداد کتب چاپ جدید، کتاب مورد نیاز مراجعان و اعضای کتابخانه را تامین کرد.

آن طور که رئیس شورای بخش جرگلان به آن اشاره می کند: سال گذشته مسئولان از ضرورت و ایجاد کتابخانه در روستاهای پر جمعیت جرگلان از قبیل دویدوخ، گرگز، یکه صعود و حصارچه خبر داده بودند که اقدام خاصی صورت نگرفته است.به گفته «واحد خالدی» به مقوله ایجاد اماکن فرهنگی در بخش جرگلان کم توجهی شده و در رأس آن ایجاد کتابخانه نقش بی بدیلی در توسعه فرهنگی و اعتلای دانش عمومی ایفا خواهد کرد.

عضو شورای اسلامی شهر یکه صعود هم در این خصوص به وعده های بی فرجام درباره احداث کتابخانه در این منطقه اشاره و اظهار می کند: سال گذشته برای احداث کتابخانه در یکه صعود خواستار واگذاری زمین شدند که اکنون زمین مورد نیاز کتابخانه آماده است اما برای ایجاد آن اقدامی نشده است.

آخوند «خال محمد درخشان» ادامه می دهد: دانش آموزان شهر یکه صعود از کتابخانه دبیرستان الغدیر استفاده می کنند و ایجاد کتابخانه عمومی برای بهره مندی مردم ضروری است.

امثال الحکم

یک بَرَندان بیچنِ داس وَرسِ که ژَیکِ هِلِ ناگِرن

گروه ادب و هنر- ادبیات فارسی سَرشار از مثل ها و اصطلاحاتی است که بر غنای آن افزوده است، به تبع آن ادبیات عامه آیینه ای از فرهنگ قومیت هاست که پرداختن به آن اندیشه ها و تجربیات گذشتگان و دانش ها و حکمت های آن ها را به ما منتقل می کند.

در این شماره به یکی از مثل های رایج در میان قوم کرمانج از زبان «فرامرز نورمحمدزاده» استاد زبان و ادبیات فارسی می پردازیم. وی با بیان این که ضرب المثل «یک بَرَندان بیچنِ داس وَرسِ که ژَیکِ هِلِ ناگِرن» به معنای این است که «اگر نگذارند درو کنیم، داس و طناب را از ما نمی گیرند»، می افزاید: این مثل بیانگر این است که تو تلاشت را بکن، نتیجه نگرفتی مهم نیست.

تازه های هنر

«سمیه سعادتمند» این روزها مشغول تولید آثاری در قالب معرق کاشی و زیورآلات و قرار است نمایشگاهی را در مرکز استان و در صورت امکان در استان های دیگر برپاکند.

«لیلا حسین نیا تنها» درحال تولید آثاری درحوزه نقاشیخط و خوشنویسی و قرار است به همراه هنرجویان خود آثاری را در ترکیه به نمایش بگذارد.

بر بال خیال

خلاص

شرمی است در نگاه من، اما هراس نه
کم صحبت ام میان شما، کم حواس نه
چیزی شنیده ام که مهم نیست رفتن ات!
درخواست می کنم نروی، التماس نه
از بی ستارگی است دلم آسمانی است
من عابری «فلک» زده ام، آس و پاس نه
من می روم، تو باز می آیی، مسیر ما
با هم موازی است ولیکن مماس نه
پیچیده روزگار تو، از دور واضح است
از عشق خسته می شوی اما خلاص نه

کاظم بهمنی

بیابان

نخست برگ‌ها پریدند
بعد پرنده‌ها
سرانجام درخت تنها ماند
در تابلوی بیابان...!

رسول یونان

گفت و گو

یک مشکل شعر معاصر

«حسن دلبری» شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی در گفت و گو با خبرنگار ما یکی از مشکلات مهم شعر معاصر را گاهی عقب ماندن زبان از قافله زمان و گاهی جلو افتادن بیش از حد دانست و افزود: در حقیقت هر دوی این آفت‌ها از جایی شروع می‌شود که زبان شاعر با جهان ذهنی و درونی شاعر هم سو و هم خوان نیست.

عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری با بیان این که شاعران به جای این که زبان شان را عوض کنند، کافی است در جهان خود تغییر ایجاد کنند، افزود: اگر جهان درونی و ذهنی شاعر عوض شود، خود به خود زبانی متناسب با این جهان شکل می‌گیرد و به زبان معتدل شعر تبدیل می‌شود که در هر دوره‌ای با دوره دیگر متفاوت است.

وی با تاکید بر این که لازم نیست شاعر جهان خود را با تصمیم‌گیری عوض کند بلکه فقط کافی است جهان درونی عوض شده خود را بشناسد، تصریح کرد: مشکل ما این است که برخی شاعران جهان تازه درون خود را نمی‌شناسند، در حالی که اگر آن را بشناسند، زبان شان را عوض می‌کنند.«دلبری» اظهار کرد: یکی از راه‌ها برای برون رفت از این مسئله، حرکت به سمت شاعرانی است که با وجود این که دهه‌ها از شعرشان گذشته اما همچنان ماندگار هستند.